

بررسی یک پرسش راهبردی در گفت‌وگو با سیدعلی سقائیان؛ آیا ژئوپلیتیک منطقه همسو با منافع تهران در حال تغییر است؟

هیچ کشوری نمی‌تواند ایران را در حصر و انزوای ژئوپلیتیکی قرار دهد

اقتضانات جدید ژئوپلیتیکی علیه ایران، خاورمیانه را ناامن خواهد کرد



دعوت به عمل آمد اما متأسفانه تحولات مربوط به منطقه شوشا مذاکرات و تلاش‌های مرحوم هاشمی‌رفسنجانی را به هم زد. درحالی‌که ما در جنگ اول قره‌باغ نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای داشتیم، در جنگ دوم قره‌باغ، یعنی جنگ ۴۴روزه پاییز سال ۲۰۲۰ کم‌کاری‌های دیپلماتیکی شکل گرفت.

باین حال هنوز هم وزن و جایگاه ژئوپلیتیک ایران در منطقه قفقاز جنوبی را نمی‌توان نادیده گرفت. چون ایران تنها همسایه‌ای است که با منطقه قره‌باغ هم‌مرز است. در راستای سؤال شما شاید ترکیه در کنار جمهوری آذربایجان تلاش‌هایی برای تحمیل دادن یا کردیدور زنگه‌زور به ارمنستان دارد اما اگر بخواهیم به کنه مسئله ورود کنیم، این تلاش‌ها منبعث از خوانش‌های پای‌ترکیسم است. اگر به این جریان‌ها نگاه کنیم از ریشه جایگاه جدی در منطقه برخوردار نیستند که بتواند منشأ اثر برای تغییرات ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی باشند. شاید برخی نشست‌ها، همایش‌ها و گردهمایی‌ها در خاک جمهوری آذربایجان، نخجوان یا ترکیه در این رابطه شکل گرفته باشد اما تغییر اقتضانات ژئوپلیتیک و جغرافیایی چیزی نیست که بخواهیم با یک نگاه ناسیونالیستی و شوونیستی آن را تغییر دهیم. البته ضعف‌های نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان در سال‌های اخیر و به‌خصوص در جنگ دوم قره‌باغ بر کسی پوشیده نیست که فشارها و انتقادات جدی را در ساختار سیاسی برای وی رقم زده است ولی اگر واقعا ترکیه و جمهوری آذربایجان به دنبال ایجاد کردیدور زنگه‌زور هستند، قطعاً باید دسترسی ایران به ارمنستان از طریق خاک نخجوان، ذیل احیای خط آهن شوروی صورت گیرد. این خواسته‌ای است که به‌صورت مشترک از سوی تهران و ایوان مطرح شده است. ضمناً نباید فراموش کرد که هفته گذشته سردار بردی محمداف، رئیس‌جمهوری ترکمنستان از اعراب ایران – جنوب به‌مراتب پررنگ‌تر از قبل شده است. هم اروپایی‌ها برای رسیدن به آسیای میانه، آسیای جنوبی آسیای و شرقی از خاک ایران به این کردیدور نیاز دارند و هم بالعکس. پس عملاً حذف و حصر ایران از نظر ژئوپلیتیکی در منطقه قفقاز محلی از اعراب ندارد. در ضمن پررنگ‌شدن نقش ایران در سوآپ گازی ترکمنستان و جمهوری آذربایجان هم عملاً نفوذ ژئوپلیتیکی ایران در این منطقه را به شکل چشمگیری ارتقا می‌دهد که پس از سفر هفته گذشته سردار بردی محمداف، رئیس‌جمهوری ترکمنستان به ایران و تأکید تهران بر اجرای سوآپ گازی عملاً این طرح در مسیر اجرای کامل قرار گرفته است.

♦ **باوجود نکات شما همان‌طورکه در سؤال قبل گفته شد، ایجاد کردیدور زنگه‌زور علاوه بر بازشدن پای ترکیه به جمهوری آذربایجان و مسیر دریایی از طریق خاک نخجوان و ارمنستان می‌تواند پای ناتو را هم به این منطقه باز کند و این یعنی تغییر یافت ژئوپلیتیک منطقه و نیز تغییر یافت امنیت؟**

ببینید ترکیه از سال‌ها پیش عضو مهم ناتو به شمار می‌رود و در خاک خود پایگاه‌های مهمی را هم به این نیروها اختصاص داده است. اما اینکه ترکیه بخواهد از طریق خاک ارمنستان و در کنار مرزهای ایران ضمن رسیدن به جمهوری آذربایجان و دریای خزر پای ناتو را هم به این مناطق باز کند، نه منطقی است، نه عقلانی و نه شدنی.

♦ **به چه دلیلی؟**

چون علاوه بر حاسیت‌های مسکو، بارها و بارها ایران درخصوص هرگونه تغییر ژئوپلیتیک در منطقه قفقاز جنوبی هشدارهای لازم را داده است، چه برسد به آنکه در سایه رسیدن ترکیه به آذربایجان شاهد بازشدن پای ناتو در این مناطق هم باشیم. این جزء خطوط قرمز ایران است و باکو و آنکارا هم به‌خوبی بر آن واقفاند.

♦ **درخصوص منطقه آسیای میانه چطور. چون برخی معتقدند به دلیل تمرکز بیش‌ازحد جمهوری اسلامی ایران بر خاورمیانه عربی، ذیل محور مقاومت آن‌گونه‌که باید برنامه‌ریزی برای مناطقی مانند آسیای میانه در دستور کار دولت‌ها قرار نگرفته است. به همین دلیل منطقه آسیای میانه هم به دستورات اردوغان و ارتقای روابط با سعودی‌ها را در دستور کار**

این آسیب‌شناسی شما تا اندازه‌ای درست است. به‌هرحال متأسفانه در دولت روحانی تمرکز جدی و بیش از حدی روی برجام صورت گرفت و بعد از آن هم در سایه خروج دونالد ترامپ از توافق هسته‌ای بیشتر تلاش‌ها روی احیای آن بود. به همین دلیل سیاست خارجی منطقه‌ای آن‌گونه‌که باید در دستور کار دولت سابق نبود. حال با روی‌کارآمدن دولت رئیسی برنامه جدی برای ارتقای روابط با همسایگان از کشورهای حاشیه خلیج فارس تا آسیای میانه در دستور کار است. رسمیت‌بخشیدن به حضور ایران در پیمان شانگهای، ارتقای جایگاه پیمان کوک، سفرهای مداوم به کشورهای حاشیه خلیج فارس، در کنارش سفر به تاجیکستان، ترکمنستان و بالعکس، سفر مقامات قطری، عمانی، ترکمنستانی، تاجیکستانی در هفته جاری و سفر رئیس‌جمهور قرقاستان به ایران نشان می‌دهد که در همین ۴ماهه‌که از عمر دولت سیزدهم گذشته است، سیاست خارجی در افزایش نقش ایران در منطقه با هدف احیای روابط و پوستاندازی در مناسبات با همسایگان به‌شدت کار می‌دهد. ما تمایل و توجه جدی برای استفاده از بندر چابهار را از تاجیکستان توسط سردار سرلشکر محمد باقری هم باید در این چارچوب مورد ارزیابی قرار گیرد که نشان می‌دهد علاوه بر دیپلماسی اقتصادی و تجاری، دیپلماسی دفاعی و نظامی هم در دستور کار قرار گرفته است.

♦ **دورخوردن ایران در بندر چابهار توسط هندوستان، پاکستان و چین نیز به‌معنای تغییر ژئوپلیتیک منطقه علیه تهران نیست؟**

این یک واقعیت انکارناپذیر است که ما به هر دلیلی نخواستیم با نتوانیم از فرصت‌ها استفاده کنیم. دیگر کشورها منتظر ما نمی‌مانند. دیپلماسی یعنی استفاده هرچه سریع‌تر از فرصت‌ها در راستای تحقق منافع ملی. اگرچه در زمان دولت سابق تلاش‌هایی برای استفاده از بندر چابهار شکل گرفت و قراردادهایی هم با هندی‌ها بسته شد اما متأسفانه کم‌کاری‌هایی برای تحقق آن قراردادها شد و در کنار آن برخی فشارهای آمریکایی‌ها را هم نباید نادیده گرفت. بااین‌حال بی شک کم‌کاری دستگاه سیاست خارجی و دولت سابق سبب شد که هندی‌ها هم تمایل و توجه جدی برای سابق برای استفاده از بندر چابهار را از دست بدهند. در این بین پاکستانی‌ها باوجود تمام مشکلات خود با هندی‌ها سعی کردند دلی نو را برای استفاده از بندر گوادر ترغیب کنند. البته هنوز هم دیر نشده است و قطعاً می‌توان با تلاش‌های دیپلماتیک دوباره هندی، چینی‌ها و ژاپنی‌ها را برای استفاده از این بندر مجاب کرد. خصوصاً که شاهد سفر سه‌روزه حسین امیرعبداللهیان و پس از آن سفر تیم اقتصادی وزارت امور خارجه به هندوستان بودیم که می‌تواند موتور محرک‌های برای بازگشت هندی‌ها به بندر چابهار باشد. اگر این تلاش‌های دیپلماتیک به‌صورت مداوم در دستور کار دولت سیزدهم قرار بگیرد، می‌توان امیدوار بود.

هزینه و با چراغ خاموش پاسخ این عملیات داده می‌شود. البته در برخی مقاطع هم جا دارد که برای موازنه‌سازی اقداماتی را آشکارا انجام دهیم.

♦ **از کشورهای حاشیه خلیج فارس به اقلیم کردستان عراق، ترکیه و به‌خصوص جمهوری آذربایجان برسیم که به نظر می‌رسد اسرائیل در این مناطق هم به‌صورت آشکار و پنهان نفوذ خود را تا عمق قفقاز جنوبی گسترده است. تا جایی که طبق برخی مستندات سرقت اسناد هسته‌ای ایران یا ترور از طریق خاک قره‌باغ انجام شده است. آیا علاوه بر کشور حاشیه خلیج فارس اکنون ژئوپلیتیک منطقه غرب، شمال غربی و شمال کشور نیز با نفوذ اسرائیل در حال پوست‌اندازی است؟**

در پاسخ به این پرسش مهم‌تان باید دو نکته را در نظر داشت؛ نخست آنکه اساساً ژئوپلیتیک مقوله‌ای جبری است. ما نمی‌توانیم کشورهای همسایه خود را انتخاب کنیم. به‌هرحال همان‌گونه‌که امارات، بحرین، عمان، قطر، عربستان و... در کنار مرزهای ایران قرار دارند، اقلیم کردستان عراق به‌عنوان بخشی از خاک عراق، ترکیه، ارمنستان و جمهوری آذربایجان هم بخشی از همسایگان غربی، شمال غربی و شمالی ایران را تشکیل می‌دهند. دومین با مهم‌ترین مسئله به‌خاستگاه ژئوپلیتیک خود ایران و فلات ایران بازمی‌گردد. ما در رابطه با موقعیتی که داریم به «یک فرابریتری» و «فرادستی» ژئوپلیتیک رسیدیم.همان‌طور که در سؤال نخست اشاره کردید، علاوه بر اینکه ایران جزئی از خاورمیانه به شمار می‌رود، در کنار منطقه قفقاز جنوبی، آسیای جنوبی و آسیای میانه قرار دارد. هرکدام از این مناطق ژئوپلیتیکی دارای بافت مکانی و اقتضانات اقتصادی، سیاسی، دیپلماتیک، فرهنگی، تمدنی و حتی نظامی، امنیتی و دفاعی خود هستند. این ویژگی فرابریتری و فرادستی ژئوپلیتیکی ایران را هیچ‌کدام از کشورهای منطقه ندارد، کما اینکه در زمان جنگ جهانی دوم از ایران به‌عنوان پل پیروزی یاد شد. بنابراین با توجه به چنین خاستگاه ژئوپلیتیکی، نه اسرائیل، نه آمریکا و نه هیچ کشور دیگری با نفوذ در همسایگان شمالی و شمال غربی ایران نمی‌تواند خاستگاه ژئوپلیتیکی را تغییر دهد یا به‌نوعی ایران را در حصر و انزوای ژئوپلیتیکی قرار دهد؛ بله مانند کشورهای حاشیه خلیج فارس نفوذهایی از جانب اسرائیل در اقلیم کردستان عراق، ترکیه، جمهوری آذربایجان و قره‌باغ شکل گرفته است و کسی منکر آن نیست. شاید از این مناطق هم ضرباتی امنیتی به ایران وارد شده باشد که در پرسش‌های قبلی هم به آن اشاره کردم، این مسئله از قبل وجود داشته است ولی مسائل امنیتی و نظامی نمی‌تواند به‌معنای موفقیت‌تل‌آویو در تغییر یافت ژئوپلیتیکی منطقه علیه ایران باشد.

♦ **روی ترکیه تمرکز کنیم. طبق گفته شما ترکیه به‌عنوان یکی از سه قدرت اصلی خاورمیانه در کنار ایران و عربستان برنامه جدی برای ارتقای روابط با اسرائیل دارد. کمااینکه اردوغان به‌جای سفر به ایران حضور در ریاض و احیای روابط با سعودی‌ها را در دستور کار قرار داد و همچنین علاوه بر سفر اسحاق هرتزوک، رئیس‌جمهور اسرائیل اکنون اردوغان به دنبال سفر بنت به ترکیه است. بماند که اخیراً شاهد سفر مولود چاووش اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه به اسرائیل هم بودیم. آیا آنکارا جدی‌تر از تل‌آویو خواستار حصر ژئوپلیتیک ایران نیست؟**

همان‌گونه که ریشه تحرکات دیپلماتیک و تلاش‌های خارجی اسرائیل در منطقه حاشیه خلیج فارس به وضعیت شکننده داخلی در سرزمین‌های اشغالی بازمی‌گردد، ترکیه هم در وضعیت مشابه با یک بحران اقتصادی و تورم بالای ۷۰ درصد دست‌و‌پنجه نرم می‌کند. این وضعیت به قدری جدی است که بسیاری دولت اردوغان را نزدیک به ورشکستگی کامل می‌دانند. بنابراین وضعیت اردوغان در آستانه انتخابات وضعیتی کاملاً شکننده است. بنابراین ترکیه برای ثبات داخلی به‌خصوص در حوزه اقتصادی نیچ‌نگاهی جدی به تحولات دیپلماتیک دارد. ازاین‌رو ترکیه ضمن احیای روابط با عربستان سعی دارد از طریق اسرائیل و ارتقای روابط با صهیونیست‌ها حمایت آمریکا را هم داشته باشد که به‌اصطلاح وضعیت اقتصادی و تجاری خود را بهبود بخشد. به همین دلیل است که بعد از سفر اسحاق هرتزوک به ترکیه ما شاهد آن بودیم که بعد از گذشت ۱۵ سال اولین سفر وزیر خارجه ترکیه به سرزمین‌های اشغالی هم رقم خورد. درعین‌حال اردوغان بر سر قتل جمال خاشقجی حاضر به معامله سیاسی با سعودی‌ها شد تا حمایت مالی آنها را کسب کند. بنابراین اردوغان شاید برای مرتفع‌کردن مشکلات داخلی به‌صورت ناخواسته و تحمیلی سفری به عربستان سعودی داشته باشد یا مقامات اسرائیلی را به ترکیه دعوت کند. هرچند در همین رفت‌وآمدهای مقامات ترکیه‌ای و اسرائیلی، آنکارا بارها بر حق فلسطینی‌ها هم تأکید داشته است. شاید برخی آن را یک لفاظی دیپلماتیک از جانب دولت اردوغان بدانند اما به‌هرحال نشان می‌دهد سیاست دوستی با ریاض و تل‌آویو با اگر‌ا از جانب آنکارا پی گرفته می‌شود. مهم‌تر از همه اینها ما باید به مسئله کردی هم نگاه کنیم که جدی‌ترین پاشنه آتش نظامی و امنیتی ترکیه به‌شمار می‌رود. اردوغان به نام مقابله با کردها اقدامات اخیرش را در سوریه و عراق انجام داده است که گویا تمامی هم ندارد. اینها علاوه بر سرکوب جدی کردها در خود ترکیه است. قطعاً دولت اردوغان در شرایط به اقتصادی فعلی و تورم بالای ۷۰ درصد نمی‌تواند همه سیاست‌های هزینه رای خود را به‌صورت هم‌زمان پی بگیرد. شاید در یک نگاه ترکیه چندان روابط حسنه‌ای با ایران در سال‌های اخیر نداشته است اما اردوغان نمی‌تواند در مقابل منافع همسایه قدرتمندی مانند جمهوری اسلامی ایران دست به بازی خطرناکی بزند.

♦ **برخلاف ارزیابی شما، ترکیه نقش کلیدی در تحولات و تغییرات زیرپوستی ژئوپلیتیک منطقه قفقاز جنوبی علیه ایران دارد. بعداز حواشی مربوط به جاده گوریس – قاپان، تلاش مشترک آنکارا و باکو برای ایجاد کردیدور تحمیلی و موهوم زنگه‌زور به ارمنستان با هدف دسترسی ترکیه از جمهوری نخجوان به جمهوری آذربایجان و نهایتاً رسیدن به دریای خزر و به‌دنبالش احتمال بازشدن پای ناتو به دریای خزر هم مطرح است. از طرف دیگر ترونیگای ترکیه، جمهوری آذربایجان و کرجستان با هدف انزوای ژئوپلیتیک ارمنستان و قطع دسترسی ایران به بازارهای اروپا هم سعی در حصر تهران دارند. اینجاست که پاره‌ای از کارشناسان خطر و تهدید اردوغان را به‌مراتب جدی‌تر از بنت و بن سلمان می‌دانند. غیر از این است؟**

متأسفانه تحولات منطقه قفقاز جنوبی همواره در سه دهه گذشته محل مناقشه سیاسی، دیپلماتیک و حتی نظامی و دفاعی بوده و منطقه قره‌باغ هم به‌عنوان استخوان لای زخم عمل کرده است. در زمان مرحوم هاشمی‌رفسنجانی تلاش‌های دیپلماتیک وافر برای گفت‌وگو و حل‌وفصل مسائل بین‌الملل سعی شده به‌صورت تک‌به‌تک و موردی به تحولات جاری در کنار مرزهای ایران

طرحی رومانیی کردند که هدف از آن یکپارچه‌سازی سیستم‌های پدافند هوایی کشورهای خاورمیانه و اسرائیل برای مقابله با تهدید هسته‌ای، موشکی و پهپادی ایران است. مضافاً اعضای دموکرات و جمهوری‌خواه کمیته روابط خارجی سنای آمریکا به‌منظور جلوگیری از دسترسی ایران و گروه‌های همسو با جمهوری اسلامی به پهپادهای جنگی، طرحی را برای ارائه به صحن سنا به تصویب رساندند. درمجموع با درنظرگرفتن این تلاش‌ها آیا تهران در حصر و انزوای ژئوپلیتیک منطقه‌ای قرار نخواهد گرفت؟

پیش از اینکه به اقدامات اسرائیل در منطقه بپردازیم، باید آسیب‌شناسی و ارزیابی از شرایط سیاسی و امنیتی در سرزمین‌های اشغالی داشته باشیم. به‌تازگی نفتالی بنت، نخست‌وزیر اسرائیل، به‌صراحت عنوان کرد که این رژیم در مرز فروپاشی کامل قرار گرفته است. به احتمال بسیار زیاد سقوط کابینه بنت در سایه تلاش‌های بنیامین نتانیاو در چارچوب جریان اپوزیسیون برای کارشکنی در کار کابینه مستقر سبب شده است که ما با یک سیستم به‌شدت متزلزل درون سرزمین‌های اشغالی مواجه باشیم که قطعاً روی مناسبات سیاسی و به‌خصوص امنیتی آثار مخربی را دارد. به‌همین‌دلیل نفتالی بنت در سخنانی به‌صراحت از فروپاشی سخن گفت. در چنین شرایطی تل‌آویو برای فرار از شرایط کنونی قطعاً دست‌به‌دامن تحرکات خارجی خواهد بود تا بتواند از آن به‌عنوان یک اهرم موازنه‌ساز برای دفاع در برابر چالش‌های داخلی استفاده کند. درصورتی‌که اسرائیل نته‌تا نتوانسته اقتضانات ژئوپلیتیک منطقه به‌خصوص در کنار ایران را به‌سود خود تغییر دهد بلکه اکنون اقتضانات ژئوپلیتیک سرزمین‌های اشغالی هم در حال تغییر است. از کرانه باختری گرفته تا نوار غزه ضمن یکپارچگی سیاسی و وحدت رویه، شرایطی را رقم زده که اسرائیل عملاً در مرزهای خود به‌شدت محدود عمل می‌کند. در کنار این نباید فراموش کنیم که در چند ماه گذشته سلسله عملیات‌هایی، نه در مرزهای ۱۹۶۷ بلکه در عمق مرزهای ۱۹۴۸ روی داده است.

♦ **آیا به همین دلیل است که بنت از تئوری «مرگ ایران با هزار یا هزاران ضربه چاقو» به تئوری «اختاپوس» تغییر فاز داده است؟**

بله، خود این تغییر فازها و تغییر به‌اصطلاح تئوری‌های مقابله با ایران از جانب بنت نشان می‌دهد که هرگونه ابزار و اهرمی با هرگونه برنامه‌ای از جانب اسرائیل برای تقابل با جمهوری اسلامی در منطقه نتوانسته است وضعیت را آن‌گونه‌که باید تغییر دهد.

♦ **یعنی ترور حسن صیادخدایی یا برخی دانشمندان صنعت هوافضا که به‌تازگی روی داده است، حمله به مراکز هسته‌ای، نظامی و دفاعی و پیش‌تر از آن ترور دانشمندان هسته‌ای دالی بر موفقیت تئوری‌های تل‌آویو در برابر تهران نیست؟**

اولاً ترور، خرابکاری یا جاسوسی که پیش از نفتالی بنت هم وجود داشته است و این ربطی به تئوری‌های نخست‌وزیر فعلی اسرائیل ندارد. در ضمن اگر یک تئوری نفتالی بنت در برابر ایران جواب می‌داد، نیازی به تئوری‌های دیگر نبود. از طرف دیگر نباید فراموش کرد که جمهوری اسلامی ایران، نه به شکل مستقیم بلکه به شکل غیرمستقیم پاسخ این حملات را داده است و در ادامه خواهد داد.

♦ **پاسخ غیرمستقیم می‌تواند هم‌وزن با اقدامات اسرائیل در خاک ایران باشد؟**

اتفاقا اقدامات غیرمستقیم، اقداماتی کم‌هزینه‌تر و درعین‌حال عقلانی‌تر برای جمهوری اسلامی ایران است که در بطن خود هدف موازنه‌سازی و پاسخ‌گویی را هم بر دارد.

♦ **چطور؟**

درست است که اسرائیل در عمق خاک ایران یا در پایتخت کشورمان سلسله عملیات‌های تروریستی، جاسوسی و خرابکاری را انجام می‌دهد و بعد با پذیرش مسئولیت رسمی سعی دارد عنوان کند که موازنه‌سازی امنیتی و نظامی را به نفع خود تغییر داده است یا با برخی تحولات سیاسی و دیپلماتیک در منطقه مانند نصب سامانه‌های راداری در امارات و بحرین و حتی ادعای اخیرش مبنی بر تشکیل نیروی واحد نظامی منطقه‌ای علیه تهران به دنبال محصورکردن ایران در مرزهای خود است اما هوشمندی تهران آنجاست که بدون پذیرش مسئولیت و صرفاً از طریق نیروهای نیابتی خود ضربات امنیتی را به اسرائیل وارد می‌کند. اینجاست که بدون اینکه بخواهیم با پذیرش مسئولیت رسمی برخی اقدامات علیه اسرائیل برای خود هزینه سیاسی و دیپلماتیک ایجاد کنیم، با کمترین

♦ **کنور ایران از نظر ژئوپلیتیک دارای یک بافت موقعیتی بسیار خاص است. از یک طرف جزه کشورهای خاورمیانه به شمار می‌رود. در مرزهای شمالی هم با کشورهای حوزه قفقاز جنوبی هم‌مرز است و در قسمت شرقی با کشورهای آسیای جنوبی و آسیای مرکزی ارتباط دارد که می‌تواند فرصت بسیار مغتنمی را در اختیار دیپلماسی ایران قرار دهد اما به نظر می‌رسد تحولات ژئوپلیتیک و آرایش منطقه در مسیر منافع ایران نیست؛ چراکه مشخصاً تحولات معناداری را با محوریت اسرائیل در خلیج فارس و عمان شاهدیم. در این رابطه از یک طرف نفوذ جدی تل‌آویو در کشورهای حاشیه خلیج فارس به موازات نفوذ در ترکیه و همچنین اقلیم کردستان عراق و نیز حضور جدی اسرائیل در منطقه قره‌باغ و جمهوری آذربایجان و نیز مزمه‌هوا احتمال نفوذ مוסاد در پاکستان و افغانستان، ذیل رادیکال شدن فضا به‌واسطه احیای حکومت طالبان مطرح است. به باور شما تا چه اندازه اسرائیل موفق به تغییر معنادار در حوزه ژئوپلیتیک منطقه علیه ایران شده است؛ چراکه به اعتقاد بسیاری، اسرائیل اکنون در خلیج فارس، دریای عمان، اقلیم کردستان عراق، ترکیه، جمهوری آذربایجان و قره‌باغ فعالیت می‌کند؟**

ببینید طرح‌های اسرائیل برای گسترش نفوذ در منطقه خاورمیانه مربوط به پیمان ابراهیم و دو سال اخیر بعد از سپتامبر سال ۲۰۲۰ (زمان انعقاد پیمان ابراهیم) نیست. از ابتدای تشکیل این رژیم، چه ایالات متحده آمریکا و چه برخی بازگرنار اروپایی همواره سعی کرده‌اند شروعبیت دیپلماتیکی برای صهیونیست‌ها در جهان و به‌خصوص منطقه خاورمیانه عربی ایجاد کنند. ضمن اینکه به موازات این تلاش‌ها سعی شده است که از وزن، نفوذ و جایگاه ژئوپلیتیک ایران در منطقه حساس خاورمیانه کاسته شود. از مسئله تجزیه‌طلبی اوایل انقلاب به نام خلق بلوچ، کرد، ترکمن و عرب تا جنگ تحمیلی و چالش‌هایی که تا به الان به نام تحریم و سیاست فشار حداکثری وجود دارد. اما جمهوری اسلامی ایران با وجود تمام مشکلات و معضلات نته‌تا نتوانسته است جایگاه و موقعیت خود را در منطقه غرب آسیا حفظ کند بلکه آن را تقویت هم کرده است. از طرف دیگر باید دید که اسرائیلی‌ها از این تکیاوه‌ها و تحرکات سیاسی، دیپلماتیک، نظامی و امنیتی خود در سطح منطقه و به‌خصوص در میان کشورهای همسایه ایران از حاشیه خلیج فارس تا اقلیم کردستان عراق، ترکیه و جمهوری آذربایجان به دنبال چه هستند؟ پاسخ به این سؤال تا حد زیادی می‌تواند سمت‌وسوی تحولات را روشن کند.

♦ **پس من این سؤال شما را از حضرت‌عالی می‌پرسم. اسرائیلی‌ها از این تکیاوه‌ها و تحرکات سیاسی، دیپلماتیک، نظامی و امنیتی خود در سطح منطقه و به‌خصوص در میان کشورهای همسایه ایران از حاشیه خلیج فارس تا اقلیم کردستان عراق، ترکیه و جمهوری آذربایجان به دنبال چه هستند؟**

به نظر من کانون و محور این تحرکات به سه مسئله بازمی‌گردد؛ نخست امنیت؛ دوم انرژی و سوم توازن جمعیتی در درون سرزمین‌های اشغالی. با درنظرگرفتن این سه پارامتر اگرچه در ظاهر شاهد تغییر آرایش سیاسی – دیپلماتیک منطقه بعد از نفوذ اسرائیل در کشورهای حاشیه خلیج فارس ذیل پیمان ابراهیم بوده‌ایم اما باید این را در نظر گرفت که در میان‌مدت و بلندمدت این «آرایش جدید دیپلماتیک» که می‌تواند به دنبال خود نوعی از «آرایش ژئوپلیتیک» را با محوریت عربی – غربی علیه ایران شکل دهد، درمجموع «آرایش امنیتی منطقه و توازن قوا» را به هم بزند تا جایی که کل منطقه خاورمیانه را در بر بگیرد.

♦ **چرا چنین تصویری دارید؟**

چون یک طرف منازعه به جمهوری اسلامی ایران بازمی‌گردد که مطمئناً یکی از سه قدرت برتر منطقه خاورمیانه در کنار عربستان و ترکیه به شمار می‌رود؛ بنابراین هرگونه تغییر و تلاش برای آرایش جدید سیاسی، دیپلماتیک و امنیتی با هدف تعریف اقتضانات جدید ژئوپلیتیکی در منطقه علیه ایران، ایجاد ناامنی گسترده را در کل خاورمیانه اجتناب‌ناپذیر می‌کند.

♦ **پیرو ارزیابی شما اسرائیل سامانه‌های راداری خود را در بحرین و امارات نصب کرده است. این یعنی مرزهای امنیتی و نظامی رژیم اسرائیل عملاً به پشت مرزهای کشورمان رسیده است. ضمن اینکه اعضای دموکرات و جمهوری‌خواه سنا و مجلس نمایندگان از**



شهرداری کرج

سازمان مدیریت پسماند شهرداری کرج در نظر دارد عملیات زنده گیری سگ های بلاصاحب به شماره سیستمی۰۴۰۰۰۰۰۰۹۵۶۳۰۱۰۲۰۰ را از طریق تجدید مناقصه در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به یکی از متقاضیان ضمیمالح واکذار نماید.
کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرسwww.setadiran.ir انجام خواهد شد.
متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه ، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی) به صورت برخط (برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

موعد زمانی

تاریخ انتشار فراخوان : شنبه۲۸/۰۳/۱۴۰۱

مهلت دریافت اسناد فراخوان : ۱/۰۳/۱۴۰۱

مهلت ارسال پیشنهادات : ۰۹/۰۴/۱۴۰۱

زمان بازگشایی پاکت ها : ۰۹/۰۴/۱۴۰۱

هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.

متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس سازمان واقع در کرج –میدان امام حسین انتهایی خیابان شهید صدوقی واحد امور قراردادها مراجعه و یا با شماره ۰۲۱۳۲۸۲۲۹۶۳ تماس حاصل نمایند.